ادامه از صفحه اول

برای هوشنگی ورزم‌نگاران گمنام

بـه وقتش رسـانه‌های بین‌المللی فقـط او را در حـوزه اخبار جنـگ می‌شـناختند. دوره مدیریت او با ویژگی‌هایی در هم آمیخته که زمانه کنونی آن را آمال و آرزوی خود می‌داند. او به‌تمام‌معنا شایسته‌سالار بود و در این راه به استقبال ریسک مواجهه با مقامات بالا می‌رفت. او مدیری بود که پیش از همه کسـان تحت مدیریت و تذکراتش، خود بـه آن تذکرات و موارد تن می‌داد و در عمل به آنچه می‌خواسـت، پیشـرو بود. چنان سرشـار از انرژی و ایمان بـه کار و پرتحرک بود که در همـه اوقات کار ۲۴ سـاعته ایرنا حضورش اگر نمی‌بود، احساس می‌شـد. او حتی موقعی که تهران بمباران و موشـک‌باران می‌شد، روند خبررسانی جنگ را در پارکینـگ و طبقات زیرین ایرنا ادامه می‌داد؛ انگار در اینجا اتاق خبر همان سـنگری اسـت که درونش رزمندگان‌اند. کسانی چون مرحوم حمید هوشنگی و همکارانش نسل شگفت‌انگیز و بسیار محترمی بودند که با اینکه قدرت و کمک رسانه را به قدرت می‌دانستند و چه برخورداری‌ها که در این میان می‌توانسـت بروز کند اما با این شـرایط در معرض ویژه‌خواری نماندند تا قاب‌عکسـی از خود را تمثیلی و اسطوره‌ای بسازند. این یادداشـت که به خامه آمد، بـا اینکه خود در این دوران هم در رزم و هم در رزم‌نگاری بودم، نشـانه‌ای از قدرشناسی به همه کسانی است که در روایت جنگ بدون چشمداشت حماسه‌ها آفریدند.

حمید هوشنگی سرانجام آرام گرفت

بیماری جسـم حمیـد را رنجور کـرده بود، اما واقعیت آن بـود که دل او از تحکم‌های بی‌قاعده و ناداوری‌های تأسف‌باری که علیه او ساز شده و امکان درمان و همچنین زیسـتن با خانواده را از او سـلب کرده بود، بیشتر در رنج بود. او اینک به دیار باقی ره سپرده است؛ خدای رحمان و رحیم آن را اول آرامش او قرار داده و غفران واسـعه خود را ارزانی او کند. شرط انصاف نیست در این ذکر خیر، از مهربانی‌های مشـفقانه و بردباری همسـر گرامی او، خانم مریم صادقـی (هوشـنگی) کـه از آغـاز و در دهه‌های سپری‌شـده در برابر بی‌قراری حمید و «دلبستگی او بـه رادیو» و مقتضیات حرفه پرخطر خبری و... و در سـال‌های اخیر به‌ویژه در مراقبت خستگی‌ناپذیر از تن بیمار و روح خسـته او همراهـش بود، یادی به میان نباید. برای خانواده محترم هوشنگی، شکیبایی، سربلندی و پاداش اخروی آرزو می‌کنم و این ضایعه را به جامعه خبری کشـور و به‌ویـژه همکاران ایرنا تسلیت می گویم.

کوروش احمدی، کارشناس روابط بین‌الملل

بعید است دموکرات‌ها به ایران بپردازند

عکس: getty images

شـرق: انتخابـات میـان‌دوره‌ای آمریکا سـرانجام برگزار شـد. نتایج انتخابات هم مطابق انتظارها بود؛ جمهوری‌خواهان اکثریت مجلس سنا را حفظ کردند و دموکرات‌ها اکثریت آرای مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دادند. آنچه افکار عمومی در ایران را درگیر کرده بـود، ارتباط به‌اکثریت‌رسـیدن دموکرات‌ها در دو مجلس سنا و نمایندگان بود. چون در دولت قبلی آمریکا که قدرت در اختیار دموکرات‌ها بود، مذاکرات هسته‌ای و برجام شکل گرفته بود. بعد از این مذاکرات نیز تحریم‌های هسـته‌ای ایران همگی برداشته شده بودند. اما بـا روی‌کارآمدن دونالـد ترامپ از حزب جمهوری‌خواه و چرخش قـدرت در آمریکا همه‌چیز تغییر کرد. او از آغاز ساز مخالفت با برجام را کوک کرده بود و در نهایت نیز در اردیبهشت سال جاری از توافق هسته‌ای خارج شد. ترامپ درعین‌حال تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرده که کمتر از یک هفته از دور دوم آنها می‌گذرد. در این بین موضوع دیگری که انتخابات آمریکا را با ایران پیوند داد پیروزی چهار زن ایرانی‌تبار در انتخابات میان‌دوره‌ای بود؛ آنا اسکیمانی، آنا کپلن و زهرا کرینشک سه ایرانی‌تبار از حزب دموکرات وارد مجلس نمایندگان و سنا شدند و خانم سم همدانی نیز توانسـت در ایالت کارولینای شمالی کرسی قضاوت خـود را در بخـش ویک‌کانتی تمدید کنـد. بنابراین برخـی دراین‌باره کـه این نماینـدگان ایرانی‌تبار در تصمیمـات و موضوعات مربوط به ایـران در آمریکا اثرگذار باشـند نیز گمانه‌زنی کرده‌اند. اینکه شـرایط جدید کـه در مجلس نمایندگان آمریـکا پیش آمده، روی موضوعات پیش‌روی ایران و آمریکا تأثیر خواهد گذاشت و جایگاه نمایندگان ایرانی‌تبار در دو مجلس چیست، سؤالی بود که با کوروش احمدی، کارشناس روابط بین‌الملل که روی آمریکا متمرکز است، در میان گذاشتیم.

انتخابات کنگره آمریکا برگزار شد. سؤال اولم این اسـت که با توجه به آنچـه در رابطه ایران و آمریکا می‌گـذرد، دو مجلس نمایندگان و سـنا، چه موضوعات مرتبطی با ایران را در دسـتور کار خواهند داشت؟

دو مجلـس نماینـدگان و سـنا به‌طـور معمول موضوع خاصـی را در ارتباط با ایران یا هیچ کشـور دیگری در دسـتور کار ندارند؛ چراکـه مطابق قانون اساسی آمریکا، سیاست خارجی در کنترل قوه مجریه اسـت و رئیس‌جمهور در ارتباط با وضع و اجرای آن تصمیـم می‌گیرد. البته کنگـره می‌تواند در مقاطعی و بیشـتر به صورت سـلبی، تصمیماتـی را بگیرد و به صورت قوانین مسـتقل یا به صـورت الحاقیه به دیگر قوانیـن، به‌ویژه به‌طور معمول به قانون مربوط بـه بودجه دفاعی یـا NDAA از تصویـب بگذراند (ماننـد تحریم نفتـی و تحریم بانک مرکـزی که به صـورت الحاقیه‌ای بـه قانون بودجه دفاعی سـال ۲۰۱۲ اضافه شـد). در کل، این دو مجلس می‌توانند تصمیماتـی علیه کشـورهای خارجـی بگیرند و اگر این تصمیمات غیرقابل وتو باشـند (به علت حمایت بیش از دوسـوم)، رئیس‌جمهور را ملـزم به اجرای آنها می‌کنند؛ ماننـد قوانینی که بـرای تحریم لیبی، ایران، روسـیه، کوبا و... از سوی کنگره گرفته شده و با طیب خاطر یا با اکراه، رؤسای جمهور مختلف آنها را اجـرا کرده‌اند. این احتمال نیز وجود دارد که در دوره جدید کنگره، برخی از اعضای عمدتا دموکرات سعی در اتخاذ تدابیری علیه عربسـتان، به‌ویژه در ارتباط با جنگ بی‌معنی و بسیار خسارت‌بار و غیرانسانی علیه مردم یمن داشـته باشـند؛ مثلا در ارتبـاط با فروش سـلاح به عربسـتان و برخی انـواع دیگر کمک‌های آمریکا به آن کشور. مجلس نمایندگان می‌تواند چنین اقدامـی را چـه به صورت مسـتقل و چه به صورت افزودن الحاقیـه به قانون NDAA انجام دهد. جوّی که علیه عربسـتان در دوره بعد از حملات تروریستی ۱۱ سـپتامبر در آمریکا وجود داشته و به‌تازگی نیز در پی جنایت آشکار سعودی‌ها در قضیه قتل خاشقجی بسیار تشدید شده اسـت، می‌تواند مبنایی برای طرح این موضوع در کنگره باشد. موارد و احتمالات دیگری را نیـز می‌تـوان مدنظر داشـت کـه به‌تدریج حدود و ثغور آنها روشـن خواهد شـد. البته باید دید سنا و در نهایـت رئیس‌جمهور چگونه با چنیـن اقداماتی از سـوی مجلس نمایندگان برخـورد خواهند کرد و لابی عربسـتان و امارات و تا حدودی لابی اسـرائیل چه موضعی درباره این قبیل امور خواهند گرفت. در مورد خاص ایران، اطلاع دارید که قوانینی علیه ایران و با هدف تحریم در سـال‌های گذشته از تصویب این دو مجلس گذشته که مبنای اصلی تحریم‌های کنونی اسـت. با توجه به اختیار رؤسـای جمهـور در حوزه سیاسـت خارجی، کنگـره معمولا اختیـاری به آنها برای به حـال تعلیق درآوردن این قوانین می‌دهد. بر همین مبنا، اوباما بعد از توافق درباره برجام، اقدام به تعلیق قوانین تحریمی کرد و ترامپ مجدد این قوانین را نافذ کرد. با توجه به ایـن توضیح، باید اضافه کنم درحال‌حاضر بحث جدیدی درباره ایران در دستور کار کنگره قرار ندارد و تنها در شـرایط متفاوتی در آینده، ممکن اسـت کنگره دوباره در مورد ایران فعال شود. البتـه در تئوری، اگر کنگره بخواهد، می‌تواند برخلاف نظـر رئیس‌جمهور قوانین تحریمی علیه ایران را لغو کند؛ اما بسـیار بعید اسـت که حتـی دموکرات‌های طرفـدار حفظ برجـام نیز در جو سیاسـی خاص در آمریـکا و با توجه بـه انتقاداتی که بر سیاسـت‌های منطقه ایران در آن کشـور وجود دارد، بخواهند گامی در این جهت بردارند.

مجلـس نماینـدگان را دموکرات‌هـا و سـنا را جمهوری‌خواهان به دسـت آوردند، ایـن ترکیب چقدر می‌تواند بـر احیای برجام یا لغو تحریم‌هـا و... تأثیرگذار باشـد؟ اساسـا چنیـن دغدغه‌ای در این دو مجلس مطرح است؟

بالطبع احیـای برجام یا لغو تحریم‌ها امری اسـت سیاسـی و بـدوا مسـتلزم وجـود اراده سیاسـی. درحال‌حاضر نشانه‌ای از وجود چنین اراده‌ای در کنگره دیده نمی‌شـود. مجلس سنا و دسـتور کار آن نیـز همچنان در کنترل جمهوری‌خواهان خواهد بود که اکثریت بزرگ اعضای آن، درباه ایران همسو با ترامپ فکر می‌کننـد. درخصوص مجلس نماینـدگان نیز اگرچه دموکرات‌ها اکثریت را به دست آورده‌اند، ولی اقدامی ماننـد لغو تحریم‌های ایران، در ابتدا مسـتلزم وجود اکثریت اسـت. دراین‌باره اگرچه اغلـب دموکرات‌ها مایل‌اند برجام که دسـتاورد دولت دموکرات پیشـین بود، معتبر باقی بماند و با خروج آمریکا از آن موافق نبودند؛ امـا در عمل و در یک رأی‌گیـری فرضی و با توجـه به نقش لابی‌هـا و برخی دولت‌هـای معاند منطقه‌ای، معلوم نیسـت همه آنها به سـود برجام رأی دهنـد. حتی اگر روزی چنین مصوبه‌ای به سـود ابقای برجـام از مجلس نماینـدگان بگذرد، تصویب آن در مجلـس سـنای کنونی و با فـرض ثابت‌بودن داده‌های موجود، امر ممکنی نخواهد بود. در نهایت هم هر مصوبـه کنگره در صورتی نافذ می‌شـود که به امضای رئیس‌جمهور برسـد. البته رئیس‌جمهور همیشه می‌تواند مصوبات کنگره را وتو کند و رد وتوی رئیس‌جمهور از سوی کنگره، تنها در صورت تصویب مجدد مصوبه با دوسوم آرا ممکن خواهد بود. روشن است که دوسـوم رأی به سـود ایران وجود نخواهد داشـت. بنابراین متصور نیست که در شرایط کنونی و با داده‌های موجود، کنگـره بتواند یا بخواهد اقدامی به سود لغو یا تعلیق تحریم‌ها علیه ایران انجام دهد.

برخـی تحلیل‌ها این انتخابـات را بر انتخاب ریاست‌جمهوری که موعدش دو سال دیگر است، تأثیرگـذار می‌دانند. چه اتفاقی ممکن اسـت در پیش‌رو باشد؟

انتخابات میان‌دوره‌ای که به‌طور معمول دو سال بعد از شروع به کار رئیس‌جمهور (در دور اول و دوم) انجام می‌شود، معمولا در حکم درجه‌ای است که با آن تب بیمار را اندازه می‌گیرند. این انتخابات می‌تواند تا حدی جو جامعه و گرایش‌های موجود را مشخص کند و به سیاسـت‌مداران امکان دهد که خط مشـی خـود را برای مواجهه با انتخابات ریاسـت‌جمهوری دو سـال بعد مشـخص کنند. انتخابات میان‌دوره‌ای در مواردی که تب جامعه بالاسـت و سیاسـت‌های رئیس‌جمهـور جامعـه را دوقطبی کـرده، می‌تواند در حکـم یک رفراندوم درباره عملکرد و شـخصیت رئیس‌جمهور باشـد و موقعیت هر یـک از جریان‌ها و احـزاب سیاسـی را به‌طور مشـخص معلوم کند. بر اسـاس چنیـن مبنایـی و صرف‌نظـر از پیروزی و شکسـت این یا آن حزب در کسب کرسی‌های کنگره و فرمانـداری و... می‌تـوان گفت کـه انتخابات اخیر ازاین‌جهـت کـه آرای عمومـی در کشـور را به نفع کاندیداهـای این یا آن حزب نشـان داد، مهم بود. به یاد داریم در انتخابات ۲۰۱۶ که ترامپ با اسـتفاده از آرای الکتورال در آن پیروز شد، آرای عمومی هیلاری کلینتـون حدود دو درصـد (یا حدود سـه میلیون) از آرای عمومی ترامپ بیشـتر بـود. در این انتخابات اعلام شـده که آرای عمومی نامزدهای دموکرات در انتخابات مجلـس نمایندگان بیش از هفت درصد از آرای عمومـی نامزدهای جمهوری‌خواه در انتخابات همـان مجلس و بیش از ۱۲ درصـد از آرای عمومی نامزدهای جمهوری‌خواه در انتخابات مجلس سـنا بیشـتر بوده اسـت. همچنین برآوردهـا حاکی از آن اسـت که بخش قابل‌توجهی از راست‌های میانه که در انتخابات ۲۰۱۶ و بـا هـدف جلوگیری از پیروزی کلینتـون به ترامپ رأی داده بودند، این‌بار از ترامپ روی برتافته و به نامزدهای دموکرات رأی داده‌انـد. چنانچـه ایـن ارزیابی‌ها درست باشد، می‌توان گفـت کـه ترامـپ بخشـی از موقعیت پیشین خود را از دست داده و به این نسـبت از بخت او در انتخابات ۲۰۲۰ کاسـته شده اسـت. البتـه این بررسـی‌ها از دقـت بالایی برخوردار نیسـتند و قطـع نظـر از تحـولات و فرازونشـیب‌ها در دو سال آینده مدنظـر قرار می‌گیرنـد. بنابراین به‌هیچ‌رو مشـخص نیسـت که در دو سال پیش‌رو چه تحولاتی روی خواهد داد و در انتخابات ریـاست جمهـوری بعـدی چه خواهد شد و نباید هیچ‌گونه خوش‌خیالی دراین‌باره داشت.

با توجه به اینکه سه نفر از آنان برای مجالس ایالتی انتخاب شده‌اند و یکی از آنها قاضی است، قاعدتا نباید ورود چندانی به مسائل فدرال و به طریق اولی سیاست خارجی داشته باشند. به‌طورکلی، هرچه ایرانیان مقیم آمریکا یا هر کشور دیگر بتوانند در سیاست داخلی آن کشور فعال و اثرگذار باشند، در تحلیل نهایی به سود جامعه ایرانی در آن کشور و نیز حداقل به‌طور غیرمستقیم به سود ایران خواهد بود

چهار ایرانی‌الاصل هم در این انتخابات پیروز شدند. آنها ممکن است در راسـتای منافع ایران تأثیرگذار باشند یا باید فقط اعضایی مثل دیگران قلمدادشان کرد؟

سـه زن ایرانی بـرای مجالس ایالتـی نیویورک، فلوریدا و جورجیا و یک زن ایران برای ریاست دادگاه وی‌کانتی در کارولینای شـمالی انتخاب شـده‌اند. با توجه به اینکه سـه نفر از آنان بـرای مجالس ایالتی انتخاب شـده‌اند و یکی از آنها قاضی اسـت، قاعدتا نباید ورود چندانی به مسـائل فدرال و به طریق اولی سیاسـت خارجی داشته باشـند. به‌طورکلی، هرچه ایرانیـان مقیم آمریکا یا هر کشـور دیگـر بتوانند در سیاسـت داخلی آن کشـور فعال و اثرگذار باشند، در تحلیـل نهایی به سـود جامعه ایرانی در آن کشـور و نیـز حداقـل به‌طـور غیرمسـتقیم به سـود ایران خواهد بود.

آینه

اعتماد ملی

چرا آمریکا کدخدا نیست؟!

● **حسـن رضایی:** براسـاس همان مثل قدیمی که «کل اگر طبیب بودی، سـر خـود دوا نمودی»، دولت‌های اخیر آمریکا هم- و نه رژیم ترامپ!- اگر توانی می‌داشـتند، پیش از حل معضل آب‌خوردن ما و آقای روحانی! سر کچل خود را دوا می‌کردند! برنامه‌هـای محدود اوباما در زمینه بازسـازی کوه زیرسـاخت‌های فرسـوده آمریکا، تقریبا همگی با شکسـت روبه‌رو شـد. این هم که ترامپ به جای استفاده واقعی از نیروی نظامی علیه رقبای ایالات متحده، بیشـتر بر پارس‌کردن متمرکز شـده است، ناشی از ضعف درونی این ابرقدرت روبه‌افول است. استفاده دولت‌های مؤدب و باهوش قبلی آمریکا از فرمول جنگ‌های نیابتی نیز ناشی از همین احساس ضعف بـود. پایگاه‌های نظامی متعـدد آمریکا در سراسـر جهان به‌دلیل رشـد فناوری موشک‌های نقطه‌زن و رادارگریـز اکنون تبدیل به نقطه ضعف آنها شـده اسـت. در کنار شکسـت‌های پی‌درپی آمریکا و رسـوایی‌های اخلاقی مکـرر چهره‌های سرشـناس هالیوود، هیمنه فرهنگی آمریکا نیز در حال فروریختن اسـت. نشـانه‌های متعدد دیگری وجود دارد که شباهت رفتارهای عصبی آمریکا را با شوروی در حال فروپاشی نشان می‌دهد که فرصت طرح آن در اینجا نیست. شیفتگان کدخدا اما بعید اسـت دست از پرستش این بت بردارند و چشم به واقعیات بگشایند!

کیهان

به‌خانه‌خوبان نزدیک شده‌اید

● **محمدهادی صحرایی:** مگر برجام سـند قانونی و توافق‌نامه رسـمی نبود؟ سـازمان ملل با دولت بی‌فرهنگ آمریکا چه کرد؟ سال‌هاست که نیجریه با زحمات شیخ زکزاکی عزیز، با اسلام ناب آشنا شده و میلیون‌ها نفر دلداده خاندان پیامبر مکرم اسـلام شده‌اند و زلال اندیشه اسـلام را شنیده و همچون جدشـان «جون» به «هل من ناصر» حسین، لبیک گفته‌اند و راه او می‌پویند. و چند سالی است که غده سرطانی صهیون و آل سعود، بر حکومت آن کشور چنبـره زده و با تهدید و تطمیع، آنها را به کشـتار مؤمنین گماشته است و آنها هم به هر بهانه‌ای به شـیعیان می‌تازند و اسیر می‌گیرند و جوی خون به راه می‌اندازند اما، آنچه که در نیجریه اتفاق می‌افتد بی‌شباهت به پیش از انقلاب اسلامی ایران نیست و موسـپیدکردگان انقلاب ایران خوب به یاد دارند که رژیم دست‌نشـانده پهلوی چگونه به اشـارت اربابانش، خون هم‌وطنـان را می‌ریخت. عاقبتش چه شد؟

... چهل سـال است که دشـمن وعده سقوط شش ماه و یک‌ساله‌مان را داده است و ببین که هر روز قوی‌تر از دیروزیم. چهل سـال است مهم‌ترین دغدغه جهانِ سلطه، اسـقاط ایران است و ما هر روز به‌روزتر و نوتر می‌شـویم. چهل سال است که دشمن هرچه در چنته داشته را رو کرده و میلیاردها میلیارد دلار خرج شکسـت ما کرده است و اکنون رؤسای‌شان یکی پس از دیگری یا کفن می‌پوسانند و یا منزوی می‌شـوند و صاحب‌نظرانشـان، سخن خـود را پس می‌گیرنـد و... رهبر امـروز ما برنامه ۵۰ساله را ابلاغ می‌کند.

جمهوری اسلامی

زلزله سیاسی در دربار سعودی

● امیر احمدبـن عبدالعزیز که سـاعاتی پیش از قلع‌وقمع شـاهزادگان و حذف فله‌ای آنها توسط بن‌سـلمان با وسـاطت سـفارت آمریکا در ریاض از کشـور خارج شـده بود، چند روزی است که به کاخ‌های ریاض برگشته و برخی شاهزادگان اسیر و زندانی را از چنگال بن‌سـلمان و مزدورانش خارج کرده اسـت. تاریخ معاصر عربسـتان هرگز چنین زلزله‌ای درون دربار فاسـد سعودی را به یاد ندارد که شاهزادگان با چنین وقاحتی به جان هم افتاده باشـند و برای حذف و کنـارزدن و تقابل با یکدیگر حتی به فکر وجهه و اعتبار نیم‌بند دربار هم نباشند. حتی ممکن است این طوفان و زلزله در سرنوشت ملک سـلمان هم بی‌تأثیر نباشد، چراکه ناتوانی او سرمنشأ تمامی این فجایع بوده که ناچار شد فرزند شرورش را درون دربار با دستی باز، فعال مایشا کند.

البته آمریـکای ترامپ از ایـن بی‌کفایتی‌هایی که گریبان دربار فاسـد سعودی را گرفته، بهره‌های فـراوان بـرده و در یک قلـم ۵۰۰ میلیـارد دلار از سـعودی‌ها اخاذی کرده است. ولی رسوائی امروز بن‌سـلمان و سـایر دوسـتان نادان ترامپ، در حد و اندازه‌ای اسـت که حتی آمریکا هم قادر نیسـت بر آن سـرپوش بگذارد و نظرها را به سمت‌وسوی دیگـری منحـرف کنـد و کمکی به سـعودی‌ها محسوب شـود. حتی جنجال پیرامون تحریم‌های جدید واشـنگتن علیه ایران هـم در مقطع کنونی، فرصتی برای کم‌رنگ جلوه‌دادن بحران سیاسـی - تبلیغاتی علیه ایران هم در مقطع کنونی، فرصتی برای کم‌رنگ‌جلوه‌دادن بحران سیاسی - تبلیغاتی عظیمی است که دربار سعودی و شخص ترامپ را منفعل کرده است. جان بولتون شرارت‌های ائتلاف بدنام سـعودی در یمن را در راسـتای منافع ملی آمریکا معرفی می‌کند، درحالی‌که آنتونیو گوترش دبیـر کل سـازمان ملـل، آن را بزرگ‌ترین فاجعه انسـانی قرن می‌داند و خواستار توقف این «جنگ احمقانه و بیهوده» اسـت که چهار سـال در برابر چشمان حیرت‌زده دنیای معاصر در جریان است.